

## مردگان آن سال ، عاشق ترین زندگان بودند !

خبر کوتاه بود اما شوک ناشی از آن چنان مهیب بود که باورش حتی برای کسانی که یک لحظه در ماهیت جنایت پیشه جمهوری اسلامی شکی نداشته اند ، مشکل بود . یعنی میشود هزاران زندانی سیاسی را که بعضا حتی دوران محکومیت چند ساله خود را به اتمام رسانده بودند و مابقی دوره حبس خویش را میگذراندند ، به فرمان خمینی در بیدادگاههای چند دقیقه ای و فقط بر مبنای پاسخ مثبت و یا منفی به یک یا دو پرسش عقیده تی، فوج فوج شریف ترین انسانهای این دیار را از هستی ساقط کنند؟! این رژیم از همان بهار ۵۸ کردستان و ترکمن صحرا را به خاک و خون کشید ، خوزستان و بلوچستان را بنام الله کوبید ، از همان فردای انقلاب ۵۷ همه احزاب و مطبوعات چپ و مترقی را طعمه چماقداران حزب الهی اش قرار داد ، در اردیبهشت ۵۹ دانشگاههای سراسر ایران را با دستگیری و اعدام دهها دانشجو فتح کرد و در برابر چشمان حیران جهانیان ، با بستن کلیه دانشگاهها صدها هزار دانشجو را از حق تحصیل محروم نمود ، پس از وقایع ۳۰ خرداد ۶۰ و تکمیل پرده اختناق ، دهها هزار را اسیر و شکنجه و تیرباران کرد و به علاوه در خارج کشور صدها نفر از فعالین اپوزیسیون را ترور نمود و با تنگ کردن عرصه زندگی بر مردم موجبات آوارگی حدود ۲ میلیون ایرانی در اقصی نقاط جهان را فراهم کرد ، اما هیچیک از آنها همچون جنایت هولناک شهریور ۶۷ موی بر تن انسانها راست نمیکند . نه تنها در تاریخ نیم قرن اخیر ایران بلکه در دهه های اخیر دنیا نیز رژیمی را سراغ نداریم که انتقام این یا آن شکستش را از زندانیان سیاسی بیدفاع اش بگیرد ، آنهم در عرض چند هفته ، بی هیچ جرمی و صرفا برای پاسخ منفی به یک یا چند سؤال . چرا ؟ نخست بدین خاطر که « مردگان آن سال ، عاشق ترین زندگان بودند » ( زنده یاد احمد شاملو ) . دوم به این دلیل که خمینی پس از شکست استراتژی جنگ طلبانه اش برای فتح کربلا و قدس و توسعه خلافت اسلامی اش ، به ناچار جام زهر آتش بس را در جنگ خانمانسوز ایران و عراق نوشیده بود و سیلی محکمی از جنبش ضد جنگ و صلح طلبانه مردم خورده بود. پس برای اینکه شکست برون مرزی با هزیمت درون مرزی مصادف نشود و کل نظام را در آتش خشم زحمتکشانش نسوزاند ، ضروری شد ناکامی فتح کربلا و قدس را در « کامیابی » فتح اوین و گوهردشت جبران نماید و خاکریزها را این بار نه در میادین جنگی جنوب و جنوب غربی کشور ، بلکه در قلب شهرهای بزرگ ایران از طریق توسعه « لعنت آبادهایی » چون خاوران بنا کند .

اما خیال پایان دهی به پدیده زندانی سیاسی از طریق قتل عام آنها هیچگاه به تحقق نپیوست و زندانهای این رژیم کماکان مملو از آزادیخواهان و منتقدان و ناراضیان دگر

اندیش است .

مضاف بر این ، فاجعه شهریور ۶۷ هدف دوم رژیم فقها را نیز که ایجاد رعب و وحشت در میان مردم بود ، متحقق نساخت . شورشهای پی در پی تهیدستان شهری ، اعتصابات ممتد کارگری ، مقاومت منفی و توده ای زنان و جوانان در برابر احکام عصر شتر چرانی و سکان داری جنبش دانشجویی گواه بارز این شکست محسوب میشوند .

با این همه این رژیم همچون هر دیکتاتوری لب گور ، چاره را در حفظ و گسترش سرکوب می بیند غافل از اینکه « بر سرنیزه میتوان تکیه زد اما نمیتوان روی آن نشست » ( بنابراین اگر حکام اسلامی راهی جز تشدید خفقان پیش روی خود نمی بینند ، کارگران ، زحمتکشان ، زنان ، دانشجویان و جوانان آزادیخواه و عدالت جو نیز راهی جز شکل دهی به جنبش مستقل خویش و سازماندهی یک آلترناتیو حقیقتاً انقلابی ، برابری طلب و آزاداندیش ندارند . این اما میسر نیست مگر اینکه نیروهای مترقی و دموکرات با تمام قوا ضمن پایان دادن به همه حسابگریهای فرقه ای ، به یاری مردم ستم کشیده ایران بشتابند و آستین همت برای خاتمه « بحران آلترناتیو » و خلا بزرگ رهبری در مبارزات جاری ، بالا زنند . خود این تلاش نیز تا جدودی بستگی به این دارد که سد انفعال گستری و تاکتیک مدارا جویی و سکوت طیف به اصطلاح طلبان حکومتی را در هم شکنیم و مانع از آچمز و زمین گیر شدن جنبش توده ای توسط آنها گردیم . « اصلاح طلبانی » که هنوز که هنوز است هیچ نقدی بر دهه خونبار نخست جمهوری اسلامی شان و از جمله فاجعه تابستان ۶۷ ندارند بلکه بالعکس به لطایف الحیل آنها را تائید میکنند و تحت عنوان دوران گذار توجیه می نمایند ،

از اینرو در سالگرد قتل عام شهریور ۶۷ باید رساتر از گذشته ضمن گرامیداشت خاطره تابناک همه جانباختگان راه آزادی ، خواست بررسی ابعاد این جنایت هولناک و سایر جنایات ضد بشری جمهوری اسلامی نظیر قتلهای زنجیره ای پائیز ۷۷ و موج شکنجه و جنایت علیه بازداشت سده گان خیزشهای خوداد و تیر امسال را به یک کارزار بین المللی بزرگ تبدیل کنیم و عاملین اصلی آنها را به پای میز محاکمه بکشانیم .

فراوش نکنیم که بهترین طریق گرامیداشت یاد عزیز همه آنها که به خاک افتادند و یا هم اکنون در سیاهچالهای رژیم ولایت فقیه ، شعله های مقاومت را برافروخته نگه داشته اند ، تداوم راه و آرزوی بزرگ آنان برای آزادی و رهایی مردم کشورمان از چنگال رژیم فقر و جهل و جنایت است . در تاریخ هیچ ملتی آزادی را در سینی زرین پیشکش ننموده اند بلکه آن را در سایه مبارزه به کف آورده اند . یعنی « بر ما نبخشند رهایی ، نه شه ، نه بت ، نه آسمان ، با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان »

**لغو شکنجه ، اعدام ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد !**